

## مسئولیت کیفری انتقال بیماری کرونا از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و قوانین موضوعه ایران

مسئولیت کیفری انتقال بیماری کرونا از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و قوانین موضوعه ایران

ایوب شافعی پور[1]

بیماری واگیردار کرونا و ویروس یا همان (کووید 19) در حال حاضر یکی از عوامل تهدیدکننده سلامت انسان، است. با توجه به این که ویژگی اصلی این ویروس سرعت بالای انتقال آن است، این پرسش پیش می آید که در فقه مذاهب مختلف اسلامی و قوانین موضوعه کشور ایران که از فقه اسلامی سرچشمه گرفته، حکم انتقال این ویروس به دیگران در حالات مختلف چیست و ناقلان چه مسئولیتی در قبال آن دارند؟ نتیجه پژوهش حاضر که به رویکرد توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه ای با کنکاش در گزاره های فقه مذاهب اسلامی و قوانین موضوعه کشور ایران سامان یافته، این است که اگر فرد ناقل با علم بر مبتلا شدن خود بر اساس اراده و اختیار و به دوراز هرگونه اجبار یا اکراه و با سوء نیت موجب انتقال آن به دیگر افراد جامعه شود، مجرم بوده و مسئول و ضامن خواهد بود و برخی از فقها آن را قتل عمد و موجب قصاص دانسته و برخی دیگر آن را قتل شبه عمد و موجب دیه دانسته اند. همچنین قوانین موضوعه ایران در صورتی که فرد به ابتلای خود علم داشته و به وسیله های مختلف عمداً آن را به دیگر افراد انتقال داده باشد، مجرم دانسته و مستحق تعقیب کیفری و جبران خسارت وارده از جمله دیه ناشی از فوت و نقص عضو و هزینه های درمان می داند. در پژوهش حاضر نویسنده ضمن پرداختن به احکام و مبانای بیماری های واگیردار و کشنده مانند ویروس کرونا معتقد است با جرم انگاری این گونه بیماری ها می توان از شیوع بی رویه آن جلوگیری کرد.

واژگان کلیدی: مسئولیت، کیفری، بیماری واگیردار، ویروس، کرونا، فقه اسلامی، قوانین ایران

مقدمه

بیماری های واگیردار از عواملی است که همواره در تاریخ بشر، حیات بسیاری از انسان ها را

به خطر انداخته و زندگی را از آنان سلب کرده و موجب مرگ انسان‌های زیادی شده، است. این نوع بیماری‌ها به دلیل شیوع فزاینده و سریع می‌توانند در زمان اندک، در یک محیط و جامعه شیوع کنند، رشد فزاینده داشته باشند و مردم بسیاری را به کام مرگ بکشانند. در تاریخ شیوع بیماری‌های واگیردار بسیاری شیوع پیدا کرده‌اند که می‌توان از مشهورترین آنها به وبا، آنفلوآنزا، ایدز و در سال‌های نه‌چندان دور به ابولا اشاره کرد. جدیدترین بیماری واگیرداری که در چند ماه اخیر در سراسر دنیا گسترش یافته، ویروس کرونا است. این ویروس به دلیل سرعت بالای انتشار و شیوع، تا این لحظه بیش از 32 میلیون نفر را در سراسر دنیا مبتلا کرده و چیزی قریب یک میلیون نفر را به کام مرگ کشانده است. از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است و در هر ثانیه از زندگی خود به همکاری و رابطه برقرار کردن - در انواع زمینه‌ها - نیاز دارد، این موضوع یعنی حضور در اجتماع در دوره انتشار این بیماری خطرناک است و زمینه ابتلای افراد را به این بیماری فراهم می‌کند. از آنجا که یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این ویروس در بسیاری افراد، بی علامت بودن آن است، زمینه ابتلای افراد جامعه را بیش از پیش فراهم کرده است. از این رو لازم است افراد جامعه برای کنترل این بیماری و کاستن آن و در نهایت ریشه‌کن شدن آن دقت بسیاری داشته باشند و به توصیه‌های بهداشتی همواره توجه زیادی را مبذول دارند و در صورت ابتلای به آن، به پزشک مراجعه کنند، یا در قرنطینه خانگی بمانند تا زمینه سرایت آن به دیگر افراد خانواده و جامعه فراهم نشود. حال ممکن است در این زمینه سؤال‌هایی مطرح شود مانند اینکه اگر کسی به این ویروس مبتلا شود و این ویروس از طریق این فرد به هر نحوی به دیگران در جامعه انتقال یا بدست آنها برسد، مسئولیت کیفری ناقل آن چیست؟ و چه مجازاتی در شرع و قانون برای آن در نظر گرفته شده است؟ از آنجا که پژوهش و تحقیق مستقلی که جوانب مختلف این قضیه را از دیدگاه فقه مقارن و مذاهب مختلف اسلامی و قوانین موضوعه ایران بررسی کند وجود ندارد، پژوهشگران در پژوهش حاضر با توصیف و تحلیل مبانی و گزاره‌های مذاهب مختلف اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی ایران درصدد پاسخ به پرسش‌های مذکور برآمده‌اند و با استناد به نظرات فقها و حقوقدانان، حالات و احکام آن را بیان کرده‌اند، در آخر نیز نگارنده پیشنهادهایی در جهت جرم‌انگاری بیماری‌های واگیردار و کُشنده که می‌تواند عاملی پیشگیرانه در جهت شیوع بی‌رویه این نوع بیماری‌ها باشد ارائه داده است. گفتنی است بررسی مبانی و نظرات فقها درباره این بیماری و تبیین فلسفه تعیین مجازات برای آن، از این جهت اهمیت زیادی دارد که چه بسا با آگاهی از مبانی فقهی آن نوعی اعتقاد و باور درونی برای مردم ایجاد شود که به‌طور قطع، منزلت آن‌ها، بیش از منزلت قوانین وضعی عاملی محرک یا بازدارنده است. به‌سخن دیگر، اگر برای مردم تبیین شود که جرم‌انگاری انتقال بیماری کرونا از ناقلان، اساس و چارچوب دینی دارد، شخص مسلمان در جامعه اسلامی بهتر نسبت به پذیرش

آن اقدام می‌کند تا اینکه گفته شود تنها بر مبنای قانون است.

### 1- مفهوم «مسئولیت کیفری» در حقوق اسلامی

مسئولیت کیفری به این معنا است که انسان نتایج کارهای خلاف شرع و قانون خود را تحمل کند کارهایی که آزادانه و آگاهانه مرتکب می‌شود، اما کسی که بدون اراده دست به عمل ممنوعی می‌زند، مانند مجبور و بی‌هوش، مسئولیت کیفری نخواهد داشت، همچنین کسی که دست به عمل جراحی می‌زند و آن را اراده هم کرده است، اما معنای آن را درک نمی‌کند، مانند کودک و مجنون، از این رو مسئولیت کیفری سه پایه دارد: اول؛ انسان عمل ممنوعی را انجام بدهد، دوم؛ مختار باشد، سوم؛ فاعل جرم، مؤدب یا بر تمییز خوب از بد قادر باشد. اگر این ارکان سه‌گانه موجود باشند، مسئولیت کیفری به وجود می‌آید و چنانچه یکی از آنها در میان نباشد مسئولیت کیفری از میان می‌رود (عوده، 1394: ج 1، 395).

### 2- مفهوم شناسی «ویروس کرونا»

ویروس کرونا به گروهی از ویروس‌ها اطلاق می‌شود که به‌طور گسترده در طبیعت وجود دارد. این نام به ریخت‌شناسی خاص این ویروس اشاره دارد، چون زیر میکروسکوپ، شبیه تاج به نظر می‌رسد. کرونا به جنس ویروس کرونا، از تیره «کرونا ویریده» (Coronaviridae) و راسته «نیدو ویرالس» (Nidovirales)، 14: 1398، دارد تعلق (ون هونگ ژونگ، 1398: 1).

سازمان جهانی بهداشت از این ویروس به‌عنوان nCoV-2019 یاد کرده که در آن n به معنای جدید و COV به معنای ویروس تاجی است (ون هونگ ژونگ، 1398: 1).

### 3- دیدگاه شرع در مورد بیماری‌های واگیردار

یکی از مقاصد و اهداف شرع، حفظ نفس است و بر حفظ جان و نفس در دین اسلام تأکید بسیاری شده است. در این زمینه احکام زیادی در جهت تعدی بر نفس وضع شده و حفظ جان در مقابل بیماری‌ها از مهم‌ترین واجبات الهی به‌شمار می‌رود که در جای‌جای نصوص شرعی و احکام اسلامی بر آن مراقبت شده است، مثلاً اگر وضو برای انسان ضرر داشته باشد، وضو ساقط و تیمم واجب می‌شود. از این رو دین اسلام از همان بدو تولد و در زمان پیامبر اکرم (ص) برای بیماری‌های واگیردار، دستوراتی وضع کرد.

که یکی از آن دستورات است، اجرای قرنطینه بود. پیامبر (ص) درباره بیماری طاعون و در جهت مقابله با شیوع آن این گونه فرمودند: «إِذَا سَمِعْتُمْ بِالطَّاعُونِ بِأَرْضٍ فَلَا تَدْخُلُوهَا وَلَا وَقَعَ بِأَرْضٍ وَأَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَخْرُجُوا مِنْهَا» (بخاری، 1422، ج 7، 130، ح 5728)؛ هرگاه شنیدید در سرزمینی طاعون آمده است، به آنجا نروید و هرگاه در سرزمینی بودید و طاعون در آنجا شیوع پیدا کرد، آنجا را ترک نکنید». پیامبر (ص) نخستین گام در برابر بیماری‌های واگیرداری مانند طاعون را قرنطینه می‌داند و همان گونه که در روایت ذکر شد، قوانین آن را هم بازگو می‌کند و معتقد است چون در سرزمینی طاعون شیوع پیدا کرد که انسان به آن وارد نشده است، برای او ورود به چنین سرزمینی جایز نیست تا صحت و سلامتی خود و دیگران را حفظ کند و اگر این بیماری به سرزمینی وارد شد که وی در آنجا بود، برای او جایز نیست آنجا را ترک کند تا اگر به آن بیماری مبتلا شده به دیگران در خارج از آن مکان انتقال ندهد.

با دقت در روایات و منابع و قواعد فقهی که ناظر بر حفظ جان و نفس است، می‌توان گفت انسان هنگام ظهور بیماری‌های سخت و واگیردار باید برای حفظ جان خود و هم‌نوعانش، ضمن رعایت توصیه‌ها و پروتکل‌های بهداشتی، به قرنطینه پایبند باشد و آن را نوعی پیشگیری در جهت حفظ جان خود و دیگران بداند، چه آنکه اگر به آن پایبند نباشد، ضمن در خطر انداختن جان خود، جان دیگران را به خطر می‌اندازد و آنگاه مسئول آن چیزی است که به سبب سهل‌انگاری و بی‌توجهی به توصیه‌ها برای دیگران به وجود آورده و در قبال آن باید پاسخگو باشد و تاوان آن را بپردازد.

#### 4- مسئولیت کیفی انتقال بیماری کرونا از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی

بحث از مسئولیت کیفی شخصی که بیماری واگیرداری مانند کرونا را به دیگران انتقال می‌دهد می‌تواند در دو شاخه بررسی شود: 1. انتقال عمد 2. انتقال غیرعمد.

از آنجا که در فقه اسلامی احکام جنایات عمدی و غیرعمدی با هم متفاوت است، در این نوشتار نیز به تبع آن، مسئولیت کیفی انتقال بیماری کرونا توسط شخص ناقل، در دو بخش به بحث و بررسی گذاشته خواهد شد.

#### 4-1- مسئولیت کیفی انتقال عمدی بیماری کرونا

در این مبحث نیز دو رویکرد و شاخه وجود دارد و آن اینکه آیا شخصی که عمداً موجب انتقال بیماری شده است، قصد انتقال آن به کل افراد جامعه و انتشار آن به صورت فراگیر را داشته، یا اینکه فقط قصد انتقال به فرد خاصی را داشته که با توجه به احکام مخصوص به هر یک از این صورت‌ها، در این پژوهش نیز این دو رویکرد به صورت جداگانه بررسی خواهد شد.

#### 4-1-1- حکم انتقال و انتشار عمدی بیماری کرونا در جامعه به قصد فراگیر شدن

اگر شخصی با هدف فراگیر کردن ویروسی خطرناک و واگیردار مانند کرونا در جامعه به صورت گسترده اقدام به شیوع آن از هر طریقی کند - چه آنکه خود مبتلا باشد و با حضور در اجتماعات سبب این کار شود، چه با اسباب و وسایلی مانند اشیای آلوده این عمل را انجام دهد و چه آنکه خود از کارکنان پزشکی باشد و با اقدام‌هایی پزشکی نظیر وسایل پزشکی آلوده این کار را بکند، یا با ترک فعل خود در امورات پزشکی و بهداشتی در این زمینه سبب شیوع آن در جامعه شود - طبق متون اکثر علما و فقهای مذاهب اسلامی - و طبق تعریف آنان از محاربه و افساد فی الارض - می‌توان این حالت را مصداق افساد فی الارض و محاربه دانست (کاسانی، 1406؛ ج 7؛ 93؛ قرطبی، 1384؛ ج 6؛ 149؛ قرطبی، 1408؛ ج 3؛ 228؛ فرافی، 1394؛ ج 12؛ 125؛ ماوردی، 1419؛ ج 13؛ 352؛ طوسی، 1387؛ ج 8؛ 47).

این دسته از فقها به آیه زیر از قرآن استناد کرده‌اند:

«إِنَّ زَمَآءَ جَزَآءِ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (مائده، 33)؛ کیفر کسانی که با خدا و پیغمبرش می‌جنگند و روی زمین دست به فساد می‌زنند، این است که کشته شوند، یا به دار زده شوند، یا دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود، یا اینکه از جایی به جایی تبعید، یا زندانی شوند. این رسوایی آنان در دنیاست و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.»

«ابن کثیر» در تفسیر این آیه گفته است: «افساد فی الارض هر بدی و شری را شامل می‌شود و در بر می‌گیرد» (ابن کثیر دمشقی، 1419؛ ج 3؛ 85).

علامه طباطبائی نیز چنین گفته است: «مراد از محاربه و افساد به طوری که از ظاهر آیه برمی آید اخلاص در امنیت عمومی است و قهراً شامل آن چاقوکنشی نمی شود که به روی فرد معین کشیده شود و او را به تنهایی تهدید کند» (طباطبائی، 1374: ج 5، 533).

پس می توان گفت که طبق مفاد آیه، اقدام به انتشار بیماری های خطرناک و واگرداری نظیر کرونا که از لحاظ شیوع و فراگیری دارای سرعتی بسیاری است، مصادق افساد فی الارض و محاربه به شمار می رود.

«ماوردی» از فقهای شافعی در این زمینه چنین گفته است: «اگر فعلی که دارای معصیت و فساد است انجام شود و ضرر آن به دیگران (در جامعه) برسد، از مصادیق محاربه و افساد فی الارض به شمار می رود» (ماوردی، 1419: ج 13، 352).

همچنین در این زمینه میان علمای معاصر مذاهب مختلف اسلامی نوعی اجماع وجود دارد و آنان معتقدند محاربه در راهزنی و قطع الطریق و سرقت اموال مردم خلاصه نمی شود، بلکه این نوعی از محاربه محسوب می شود و نصوص وارده در این باره بسیار وسیع است و در یک مورد خاص خلاصه نمی شود، بلکه هرکس که بخواهد در زمین و جامعه ای، فساد و تباهی به وجود آورد - مانند از بین بردن کشاورزی و انتشار آفات در آن، شیوع و گسترش انواع بیماری های انسانی، حیوانی و نباتی و در دنیای امروزی هم نشر بیماری های مهلک و کشنده - مفسد فی الارض شناخته می شود (اشقر، 1421: ج 1، 83).

پس می توان گفت انتقال و انتشار بیماری کرونا در جامعه، به دلیل ضرر بسیار شدید آن و فراهم شدن موجبات مرگ و میر، از مصادیق بارز افساد فی الارض به شمار می رود.

#### 4-1-1-1- مجازات انتقال و انتشار عمدی بیماری کرونا در جامعه

فقهای مذاهب اسلامی بعد از اینکه شخص منتشردهنده و منتقل دهنده بیماری به صورت عمد در جامعه را مفسد فی الارض و محارب دانستند، معتقدند امام و حاکم اسلامی با توجه به صلاحدید خویش و با نظر در کم و کیف نتیجه اقدام انجام شده، مخیر است مجازات های وارده در آیه را - که بالاترین آن قصاص و پایین ترین آن تبعید و نفی بلد است، یا دیگر مجازات های بیان شده - اجرا کند

(کاسانی، 1406: ج 7، 93؛ قرافعی، 1394: ج 12، 125؛ ماوردی، 1419: ج 13، 353؛ ابن قدامه، 1388: ج 8، 524؛ طوسی، 1387: ج 8، 47).

پس می‌شود گفت اگر فرد یا گروهی با شیوع و پخش وسیع آلات و ادوات آلوده به هر عنوان سعی در فلج کردن و ابتلای بسیاری از افراد به این بیماری مهلک داشته باشند و چنین اعمالی که ممکن است با انگیزه تضعیف حکومت اسلامی و درگیر کردن جامعه به بحران یا به سودای سودآوری و تجارت صورت پذیرد، می‌توان مورد را با توجه به جمع بودن شرایط موجود در ماده از مصادیق جرم افساد فی‌الارض دانست و همان‌گونه که فقهای اسلامی نیز ابراز داشته‌اند، امام و حاکم می‌تواند یکی از مجازات‌های در نظر گرفته شده برای محاربه و افساد فی‌الارض را برای آنان در نظر بگیرد.

#### 4-2-1- حکم انتقال عمدی بیماری کرونا به فردی خاص

سؤال مطرح این است اگر فردی که می‌داند به ویروس کرونا مبتلا است، با تعمد و از روی قصد، بخواهد فردی معین را به این بیماری مبتلا کند، چه حکمی دارد؟

در پاسخ می‌توان گفت در این حالت نگریسته می‌شود، اگر آن شخص معین، به بیماری مبتلا شد و در اثر آن بیماری جان باخت، برخی فقها در این حالت، قتل را موجب قصاص می‌دانند و برخی نیز آن را موجب قصاص نمی‌دانند و در این حالت، دبه را لازم دانسته‌اند و به نظر می‌رسد منشأ اختلاف در این مورد، بحث تعریف قتل عمد و تحقق ارکان و شروط قتل مستوجب قصاص باشد و بحث‌هایی مانند تسبیب و مباشرت در آن مطرح است که سبب شده فقها در این باره با هم اختلاف کنند. در این قسمت به آرای فقهای مذاهب اسلامی پرداخته خواهد شد.

برای اینکه احکام مربوط به انتقال عمدی بیماری‌های واگیرداری مانند کرونا بیان و نوع قتل به وسیله این ویروس آشکار شود، ابتدا به تعریف قتل عمد یا همان قتل مستوجب قصاص از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود، آنگاه با توجه به آن، نوع قتل در مورد قتل به وسیله بیماری‌های واگیردار تبیین خواهد شد.

«کاسانی» از فقهای حنفیه، قتل عمد و مستوجب قصاص را این‌گونه تعریف کرده است: «گرفتن جان آدمی از روی عمد و با قصد و آلت کشنده» (کاسانی، 1406: ج 7، 233).

«دسوقی» از فقهای مالکیه نیز قتل مستوجب قصاص را این‌چنین آورده است: «کشتن انسان معصوم از روی عمد و عدوان» (دسوقی، بی‌تا: ج 4، 237).

امام «شافعی» در کتابش در مورد قتل مستوجب قصاص چنین نوشته است: «کشتن شخصی از روی عمد و با آلات کشنده» (شافعی، 1410: ج 6، 6).

«ابن قدامه» از فقهای حنبلی درباره قتل عمد چنین گفته است: «کشتن عمدی و عدوانی کسی با آلات کشنده، یا نوعاً کشنده» (ابن قدامه، 1388: ج 8، 260).

«محقق حلی» از فقهای امامیه، قتل عمد را این‌گونه تعریف کرده است: «خارج کردن جان محترم و برابر، از تن، عمداً و به ناحق» (حلی، 1408: ج 4، 180).

«عبدالقادر عوده» از حقوقدانان اسلامی معاصر، درباره قتل عمد می‌گوید: «در صورتی که فعل سالب حیات از سوی جانی، با قصد قتل مجنی‌علیه توأم باشد، با قتل عمد مواجه ایم» (عوده، 1394: ج 2، 53).

با دقت در تعاریف فقهای مذاهب اسلامی این موضوع آشکار می‌شود که آنان هرچند تعریفی واحد از قتل عمد ارائه نداده‌اند، اما می‌توان گفت تعاریفشان با اندکی اختلاف به هم نزدیک است و در برخی مصادیق مانند آلت قتل و عصمت در مجنی‌علیه با هم اختلاف کرده‌اند و در مواردی مانند عمد، عدوان و قصد با هم مشترک بوده‌اند که به نظر می‌رسد در یک جمع‌بندی از تعاریف فقها بتوان قتل عمد را این‌گونه تعریف کرد: «خارج کردن روح آدمی بی‌گناه و معصوم از روی عمد و عدوان به وسیله آلتی غالباً کشنده». پس با توجه به تعریفی که از قتل عمد گذشت، می‌توان گفت قتل عمد دارای دو عنصر مهم است: 1. عنصر معنوی که همان قصد است، 2. عنصر مادی که همان جنایت و مقصود است.

حال با توجه به تعریف قتل عمد و اتکا بر آن به حکم انتقال عمدی بیماری‌های واگیرداری مانند کرونا پرداخته می‌شود.

با دقت در نصوص فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت احکام قتل به بیماری‌های واگیردار و نوع قتل به وسیله آن را بر قتل به وسیله سم و مسموم کردن قیاس کرده‌اند که در این باره باید اول نظرات

این دسته از فقها را بررسی و سپس با توجه به آن، حکم عمدی انتقال بیماری‌های واگیرداری مانند کرونا را بیان کرد.

در مورد اینکه آیا قتل به وسیله مسموم کردن، قتل عمد محسوب می‌شود و موجب قصاص است یا خیر؟ فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت با هم اختلاف کرده‌اند و در این باره سه دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: قتل به وسیله سم، قتل عمد و موجب قصاص است.

قولی نزد حنفیه (ابن عابدین، 1412: ج 6، 542؛ ابن عابدین، قولی تا: ج 7، 108؛ سرخسی، 1414: ج 26، 153) قول راجح مذهب مالکیه (دسوقی، قولی تا: ج 4، 244؛ صاوی، قولی تا: ج 4، 342؛ عبدی الغرناطی، 1416: ج 8، 306) قولی نزد شافعیه (نووی، 1412: ج 9، 126؛ رافعی، 1417: ج 10، 124؛ شربینی، 1415: ج 5، 218) و قول راجح مذهب حنابله (مرداوی، قولی تا: ج 9، 440؛ بهوتی، 1414: ج 3، 256؛ خلوتی، 1423: ج 2، 704؛ رحیبانی، 1415: ج 6، 10) از فائلان به این دیدگاه به شمار می‌روند.

این دسته از فقها به دلایل زیر استناد جسته‌اند:

#### 1- قرآن کریم

- «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، 179)؛ ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، باشد که تقوا پیشه کنید». این دسته از فقها با استناد به این آیه معتقدند یکی از اهداف شارع برای قرار دادن قصاص، ترک تعدی و ظلم نسبت به نفوس است و آیه مذکور قصاص را حیات دانسته و این را به صورت عام وارد کرده و قصاص را در هر قتلی حیات دانسته و در این مورد فرقی بین انواع قتل نگذاشته است که گفته شود مثلاً قتل به وسیله سم از آن خارج می‌شود.

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمْ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى» (بقره، 178)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! درباره کشتگان، قصاص بر شما فرض شده است». این گروه با استناد به آیه مذکور معتقدند ظاهر آیه کریمه، قصاص را در قتل به هر وسیله، ای مشروع دانسته و حال فرقی نمی‌کند قتل به وسیله سنگ، چوب، عصا باشد، یا هر چیزی که غالباً کشنده است و قتل با سم نیز از همین موارد به شمار می‌رود.

- «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيِّهِ سُلْطَانًا (اسراء، 33)؛ و کسی را نکشید که خداوند کشتن او را - جز به حق - حرام کرده است. هرکس که مظلومانه کشته شود، به صاحب خون او قدرت را داده‌ایم» این گروه از فقها در چگونگی استدلال به آیه کریمه مذکور گفته‌اند بر این دلالت دارد که هرکس از روی ظلم و بدون هیچ‌گونه دلیل و سبب شرعی کشته شود، شارع این اختیار و قدرت را به ولی او داده است که اگر خواست قاتل را قصاص کند یا از وی دیه بگیرد، یا او را ببخشد و کسی که به وسیله سم کشته شده است از روی ظلم و به ناحق کشته شده، پس واجب است بر اولیای دم او که قاتل را قصاص کنند، یا دیه بگیرند، یا هر آنچه خودشان صلاح می‌دانند در حق او برحسب موارد، اجرا کنند.

## 2- روایات

- عَنْ أَبِي سَلَمَةَ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْبَلُ الْيَهُودِيَّةَ وَلَا يَأْكُلُ الصَّدَقَةَ، زَادَ: فَأَهْدَتْ لَهُ يَهُودِيَّةٌ بِخَيْبَرَ شَاةً مَصْلِيَّةً سَمَّتَتْهَا فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْهَا وَأَكَلَ الْقَوْمُ فَقَالَ: ارْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ فَإِنَّهَا أَخْبَرَ تَنِي أَنْهَا مَسْمُومَةٌ، فَمَاتَ بِشُرِّ بَنِي الْبِرَاءِ بَيْنَ مَعْرُورٍ وَالْأَنْصَارِيِّ فَأَرْسَلْتُ إِلَى الْيَهُودِيَّةِ، مَا حَمَلَكَ عَلَيَّ الْذِي صَنَعْتَ؟ قَالَتْ: إِنْ كُنْتُ نَبِيًّا لَمْ يَضُرَّكَ الْذِي صَنَعْتُ، وَإِنْ كُنْتُ مَلَكَ أَرَحْتُ النَّاسَ مِنْكَ، فَأَمَرَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُتِلَتْ، ثُمَّ قَالَ: فِي وَجَعِهِ الْذِي مَاتَ فِيهِ، مَا زِلْتُ أَجِدُ مِنَ الْأَكْلَةِ الَّتِي أَكَلْتُ بِخَيْبَرَ فَهَذَا أَوْ أَوْانُ قَطَعَتْ

أَبِي دَاوُدَ، بِيئَاتُ: ج 4، 174، ح 4512). خلاصه روایت این را بازگو می‌کند که زنی یهودی گوسفند مسمومی به پیامبر (ص) هدیه کرد. پیامبر به اصحاب فرمود: دست نگه دارید که غذا مسموم است و به آن زن فرمود: چرا چنین کردی؟ گفت: خواستم بدانم که اگر

پیامبری، خدا تو را مطلع خواهد کرد و اگر دروغگویی، مردم از دست راحت شوند، اما «بشر» که لقمه‌ای از آن خورده بود، مسموم شد و در اثر همان زهر از دنیا رفت و پیامبر (ص) دستور قتل آن زن را صادر فرمود.

فقها با استناد به روایت مذکور معتقدند از آنجایی که پیامبر (ص) بعد از مرگ «بشر» به وسیله سم، دستور قتل زنی را دادند که سم در غذا قرار داده بود، پس قصاص هنگام قتل به وسیله سم ثابت شده و قتل به وسیله سم همانند قتل به وسیله سلاح است.

### 3- عقل

قائلان به این قول در این باره به دلایل عقلی استناد کرده و معتقدند قتل به وسیله سم غالباً به مرگ منجر می‌شود و مرگ با این وسیله همانند مرگ با سلاح است (شیرازی، بی تا: ج 3؛ نووی، بی تا: ج 18؛ ابن قدامه، 1414؛ ج 3؛ 178؛ همچنین آنان معتقدند که سم به عنوان وسیله‌ای کشنده، به وفور یافت می‌شود و اگر برای قتل به وسیله آن قصاص در نظر گرفته نشود، راه و شیوه‌ای برای قتل مردم به این وسیله قرار گرفته می‌شود، پس واجب است با عقوبت قصاص جلوی این قضیه را سد کرد (ابن قاضی شهبه، 1432؛ ج 4؛ 13).

دیدگاه دوم: قتل به وسیله سم، قتل شبه‌عمد و موجب دیه است.

برخی شافعیان از قائلان به این دیدگاه هستند (جوینی، 1428؛ ج 16؛ 65؛ انصاری، بی تا: ج 4؛ 5؛ ابن حجر هیتمی، 1357؛ ج 8؛ 384؛ شربینی، 1415؛ ج 5؛ 218؛ رملی، 1404؛ ج 7؛ 255).

این دسته از فقها معتقدند شخص مسموم با اختیار خود، غذای سمی را خورده است، هرچند آن شخص وی را فریب داده و در غذایش سم گذاشته باشد و در واقع به علت چیزی هلاک شده که اختیار آن را داشته، در حالی که می‌توانست غذا را نخورد و مسموم نشود (جوینی، 1428؛ ج 16؛ 65؛ رافعی، 1417؛ ج 10؛ 131). پس در اینجا مباشرتی انجام نشده و فقط شخص، مسبب قتل بوده و قصاص منتفی و دیه واجب است.

دیگر فقها در جواب این دسته از فقها که قائل به عدم وجوب قصاص هستند گفته‌اند این نوع فریب دادن‌ها (و گذاشتن سم در غذا) غالباً به هلاکت افراد می‌انجامد، زیرا مردم نمی‌توانند به علت ترس از مسمومیت هرگونه غذایی نخورند و از غذا خوردن دست بکشند و چون سم غالباً کشنده است، قصاص لازم می‌آید (بحیرمی) 1369: ج 4، 133؛ دمیاطی 1418: ج 4 (129).

دیدگاه سوم: قتل به وسیله سم، موجب تعزیر است.

این دسته از فقها معتقدند قتل به وسیله سم، نه موجب قصاص و نه موجب دیه، بلکه موجب تعزیر است. جمهور فقهای حنفیه (زیلعی) 1413: ج 6، 101؛ ثقفی 1393: ج 5، 394؛ ابن عابدین 1412: ج 6، 542) و قول سومی در مذهب شافعی (جوینی) 1428: ج 7، 255؛ شربینی 1415: ج 5، 218؛ ابن حجر هیتمی 1357: ج 8، 385؛ شافعی 1410: ج 6 (45) از قائلان به این دیدگاه اند.

این گروه به روایت زیر استناد کرده‌اند:

- «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ يَهُودِيَّةً أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَاةٍ مَسْمُومَةٍ فَأَكَلَ مِنْهَا، فَجِيءَ بِهَا فَقِيلَ: أَلَا نَقْتُلُهَا؟ قَالَ: «لَا» وَمَا زِلْتُ أُعْرِفُهَا فِي لَهَوَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (بخاری) 1422: ج 3، 163 (ح 2617)» روایت مذکور بیان‌کننده این است که زن یهودی گوسفندی را برای پیامبر (ص) آورد. حضرت از آن خورد. آن زن را نزد رسول خدا (ص) آوردند که چرا این گوسفند را مسموم کردی؟ زن گفت: من می‌خواستم شما را بکشم. پیامبر (ص) فرمودند: خداوند به تو چنین قدرتی نداده که بتوانی من را بکشی. صحابه گفتند: آیا این زن را بکشیم یا نکشیم؟ فرمودند: نه، این زن را نکشید.

این گروه از فقها معتقدند پیامبر (ص) به علت قرار دادن سم در غذا کسی را قصاص نکرده و دیه از کسی نگرفته است. دیگر فقها در جواب این دسته گفته‌اند که روایت مذکور را «انس» کامل ذکر نکرده و تا اینجا روایت کسی بر اثر سم نمرده که پیامبر (ص) بخواهد کسی را قصاص کند یا دیه بگیرد و

وقتی بعداً «بشر بن براء» بر اثر این سم فوت شد، پیامبر (ص) دستور به قصاص دادند (این قدامه، 1388: ج 8، 265).

با توجه به آنچه درباره قتل به وسیله سم از دیدگاه فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت گذشت، می توان گفت که به نظر می رسد دیدگاه نخست یعنی قول به قصاص دیدگاهی راجح و برتر باشد، زیرا اول اینکه به دلایلی قوی و محکم و صحیح از قرآن و روایات و عقل استناد کرده و دوم اینکه می توان گفت مصلحت ایجاب می کند که در این موارد برای جلوگیری از شیوع قتل با این وسایل مانند سم یا ویروس که مواردی مخفی نیز به شمار می روند، قصاص را واجب دانست تا سدی باشد در برابر این گونه قتل های به ناحق و غیرشرعی و همان گونه که در تعریف قتل عمد توسط فقها گذشت، این گونه قتل ها به وسیله سم یا ویروس، غالباً ابزار و آلاتی کشنده محسوب می شوند، پس شامل قتل عمد می شود و موجب قصاص است.

پس درباره ویروس کرونا می توان گفت اگر شخصی عمداً و عدواناً و از روی قصد، این ویروس را به فردی مشخص و معین انتقال دهد و آن شخص به این ویروس مبتلا شود و در اثر آن به قتل برسد و این موضوع اثبات شود، شخص قصاص خواهد شد و اگر اثبات شود فرد به آن ویروس مبتلا شده اما دچار مرگ نشده، در این صورت فرد ضامن هزینه های درمان فرد بیمار، یا ضامن آسیب های وارده به اعضای بدن فرد بیمار است و شخص انتقال دهنده ویروس نیز تعزیر خواهد شد.

در بین فقهای امامیه نیز در بحث از قتل به وسیله انتقال بیماری های واگیردار به جریان سم و مسمومیت غذایی اشاره شده و در واقع مبانی آن را با اخذ مناط از جریان احکام سم و مسمومیت بازگو کرده اند.

«نجفی» از فقهای امامیه معتقد است اگر شخصی به شخص دیگر غذای مسمومی بدهد تا شخص از آن غذا بخورد و مسموم شود و آن سم نوعاً و غالباً کشنده باشد و شخص بعد از خوردن آن بمیرد، اگر خورنده غذا علم به مسمومیت غذا نداشته، قصاص ثابت است (نجفی، 1404: ج 35، 42).

امام خمینی (ره) نیز معتقد است اگر کسی غذای سمی را به شخص دیگری بدهد و سم به گونه ای کشنده باشد و شخص خورنده نسبت به آن علم نداشته باشد و بخورد و بمیرد در این مورد قصاص ثابت است (موسوی خمینی، بی تا: ج 2، 512).

اکثر فقهای متأخر امامیه و مراجع عظام تقلید شیعه نیز مستقیماً و بدون اخذ مناط از جریان طعام مسموم، احکام انتقال بیماری‌های واگیردار را بیان کرده‌اند که به قرار زیر است:

«آیت‌الله منتظری» درباره انتقال بیماری‌های واگیردار بر این باور است که اگر مجنی‌علیه به بیماری شخص انتقال‌دهنده ویروس، علم نداشته باشد و انتقال‌دهنده آن با قصد کشتن او یا با علم به اینکه ویروس، کشنده اوست اقدام به چنین عملی کند و در اثر آن مجنی‌علیه کشته شود قتل عمدی بوده و مجوز قصاص است (منتظری، بی تا: ج 3، 480).

«آیت‌الله فاضل لنکرانی» معتقد است در فرض سؤال که بیمار عمداً دیگری را آلوده می‌کند و فوت دیگری مستند به اوست وی مرتکب قتل شده است و بعید نیست در صورتی که علم به موضوع داشته است از مصادیق قتل عمدی باشد (به نقل از: روشن و صادقی، 1390: 114).

«آیت‌الله مکارم شیرازی» نیز بر این عقیده است که هرگاه این بیماری به گواهی اهل اطلاع متدین، از اموری است که غالباً کشنده است و سرایت‌دهنده نیز از این موضوع آگاه بوده، در صورت مرگ طرف، قتل عمد محسوب می‌شود (همان‌جا).

«آیت‌الله خامنه‌ای» نیز در این باره این‌گونه فرموده‌اند: «در فرض سؤال اگر فوت مستند به بیماری مذکور (که شخصی عمداً وارد بدن متوفی کرده) باشد حکم قتل را دارد» (همان‌جا).

پس با توجه به مبانی و نظرات فقها و علمای امامیه نیز می‌توان گفت اگر شخصی عمداً و عدواناً و از روی قصد، بیماری واگیرداری مانند کرونا را به شخص معین انتقال دهد و مشخص شود مرگ آن شخص به دلیل سرایت آن بیماری کشنده بوده، می‌توان گفت مرتکب قتل عمد شده و موجب قصاص است، زیرا قاتل عملی را انجام داده که هم غالباً کشنده است و هم قصد آن را داشته.

در نهایت نیز ذکر این نکته الزامی است که اگر در این حالت، منقول‌الیه بر اثر بیماری فوت نشود، شخصی که عمداً به وی ویروس را انتقال داده، افزون بر اینکه ضامن همه خسارت‌های وارده به بیمار - اعم از جسمی، روانی و هزینه‌های درمان ناشی از آن ویروس - است، تعزیر نیز می‌شود (شربینی، بی تا: ج 2، 525؛ ابن‌قیم جوزی، 1411: ج 2، 76، حلمی، 1408: ج 4، 219).

سؤالی که مطرح است اینکه اگر شخصی از روی خطا و غیرعمد موجب انتقال بیماری واگیردار و کشنده ای مثل کرونا به شخص دیگر شود و آن شخص به سبب آن بیماری فوت کند، چه حکمی دارد؟ آیا باید دیه بپردازد؟ آیا باید تعزیر شود؟ یا اینکه به علت خطا چیزی بر او نیست؟

از آنجایی که اکثر فقها احکام شخصی که بیماری را از روی خطا و غیرعمد به دیگری منتقل کرده، در بحث قتل خطا بررسی کرده اند، باید قبل از ورود به بحث اصلی، به تعریف قتل خطا از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی پرداخت.

فقها گفته اند منظور از قتل خطایی آن است که شخص در آن نه قصد قتل و نه قصد ضرب دارد و حنفیه (قدوری، 1418: 184) و حنابله (بهوتی، بی تا: ج 6، 13) آن را دو قسم می دانند: 1- خطا در قصد: مانند اینکه تیری را پرتاب می کند، زیرا گمان می برد صیدی است، اما به جای صید، انسانی ظاهر می شود. 2- خطا در فعل: به طرف شکاری تیر می اندازد، اما تیر به خطا می رود و به انسانی اصابت می کند، اما به نظر می رسد این تقسیم بندی فقط بیان کننده انواع قتل خطایی و صورت های آن باشد تا تعریف آن، چنان که مالکیه (ابن جزی، بی تا: 226) و شافعیه (شربینی، 1415: ج 4، 8) در تعریف قتل خطایی گفته اند قتلی است که شخص در آن فاقد قصد فعل و شخص مورد نظر یا هر دو آنها است.

«شیخ مفید» از فقهای امامیه درباره قتل خطا این گونه نوشته است: «خطای محض عبارت است از اینکه انسان به طرف شکاری تیراندازی کند، اما به انسانی که قصد تیراندازی را به سوی او نداشته، اصابت کند یا اینکه به طرف دشمن خود تیر بیندازد، اما به کس دیگری اصابت کند، یا به سمت هدف و نشانه ای تیر بیندازد، اما به انسانی بخورد، در حالی که او چنین قصدی نداشته است» (شیخ مفید، 1413: 734).

«محقق حلی» چنین گفته است: «در قتل خطا ضابطه این است که هم در عمل و هم در قصد، هر دو خطا شود» (حلی، 1408: ج 4، 228).

امام خمینی (ره) درباره قتل خطایی چنین نوشته است: «خطای محض که از آن به خطایی که شبهه ای در آن

نیست تعبیر می‌شود آن است که فعل و قصد قتل را نکند، مانند کسی که به سمت شکاری، تیر یا سنگی پرتاب کند، اما به انسانی بخورد و وی را بکشد» (موسوی خمینی، بی تا: ج 2، 554).

در آیه نود و دوم سوره نساء درباره مجازات قتل خطایی چنین آمده است: «وَمَنْ قَتَلَ مَوْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مَّؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُّسْلِمَةٍ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا» (نساء، 92)؛ کسی که مؤمنی را به خطا کشت باید که برده مؤمنی را آزاد کند و خون بهایی هم به کسان کشته بپردازد، مگر اینکه آنان درگذرند».

به همین دلیل همه فقهای مذاهب اسلامی بر عدم وجوب قصاص در قتل خطایی اجماع دارند و معتقدند قاتلی که بدون قصد و بدون تعمد و از روی اشتباه و خطا کسی را به قتل رسانده قصاص نمی‌شود (ابن حزم طاهری، بی تا: 141؛ کتابی، 1424: ج 2، 280).

همچنین همه فقها اتفاق دارند که برای قتل خطایی هیچ‌گونه مجازات و گناه اخروی وجود ندارد (شیبانی، 1403: ج 2، 327؛ مرغینانی، بی تا: 239؛ عمران‌نمی، 1421: ج 11، 621؛ نووی، بی تا: ج 19، 186؛ ابن قدامه، 1388: ج 8، 314؛ حلی، 4: ج 228) و در این باره به این آیه استناد کرده‌اند: «وَلَا يَسْأَلُ عِلَّا يَكْفُؤا فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَا يَكُن مَّآ تَعْمَدْتُمْ فُلُؤا بِكُمْ وَكَانَ اللَّاهُ غَفُورًا رَّحِيمًا» (احزاب، 5)؛ و در آنچه خطا کردید، گناهی بر شما نیست، اما در آنچه دل‌هایتان قصد و عمد داشته، [مسئولید] و خداوند آمرزنده مهربان است».

همچنین به این روایت از پیامبر (ص) استناد کرده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ عَنَ أُمَّتِي الْخَطَاَ وَالنَّسِيَانَ، وَمَا اسْتُكْرَهُوا عَلَيْهِ» (ابن ماجه قزوینی، بی تا: ج 1، 659؛ ج 2045؛ طبرانی، بی تا: ج 8، 161؛ ج 8273)؛ از امت من [مسئولیت] خطا، فراموشی و آنچه بدان مجبور شوند، برداشته شده است».

اما درباره ضمان دنیوی آن فقها در این باره متفق‌اند که کفارۀ دارد و دیه بر عاقله است (مرغینانی، بی تا: 239؛ بابرتمی، بی تا: ج 10، 213)؛

عبادی، 1322: ج 2، 212، شیبا نی، 1403: ج 2، 327؛ قرطبی، 1408: ج 3، 285؛ شیرازی، بی تا: ج 3، 203؛ ابن قدامه، 1414: ج 3، 251؛ ابن قدامه، 1388: ج 8، 272؛ حلی، 1408: ج 4، 229).

پس بنا به آنچه فقها در مورد قتل خطا ابراز داشته اند می توان گفت اگر شخصی به دلیل خطا، فراموشی و جهل بیماری کشنده و واگرداری مانند کرونا را به دیگری انتقال داد و آن شخص بر اثر آن کشته شد، قتل خطایی بوده و دیه و کفاره لازم می شود.

در این باره «مجمع فقه اسلامی» درباره بیماری های واگیردار و کشنده این گونه نظر داد: «اگر انتقال بیماری از طریق خطا و بی احتیاطی صورت گیرد و منقول الیه بمیرد، این نوع قتل، قتل خطایی بوده و مستوجب دیه است» (جندی، بی تا: ج 4، 551).

در نهایت نیز ذکر این نکته الزامی است که اگر در این حالت، منقول الیه بر اثر بیماری فوت نکرد، شخصی که از روی خطا به وی ویروس را انتقال داده، فقط ضامن همه خسارات وارده اعم از جسمی و روانی و هزینه های درمان است و چون عمداً این کار را نکرده تعزیر نمی شود (ر. ک: کاسانی، 1406: ج 7، 322؛ ابن انس، 1415: ج 4، 560؛ غزالی، 1417: ج 6، 256؛ ابن قدامه، 1414: ج 4، 38؛ حلی، 1408: ج 4، 220).

## 5- مسئولیت کیفری انتقال بیماری کرونا از دیدگاه قوانین موضوعه ایران

در این بخش ابتدا به مسئولیت کیفری شخصی که عمداً و به قصد فراگیری در جامعه آن را انتقال می دهد، از دیدگاه قوانین موضوعه ایران پرداخته خواهد شد و سپس احکام انتقال عمدی و سهوی این انتقال به قصد مبتلا شدن یک فرد خاص بررسی می شود.

### 5-1- مجازات انتقال و انتشار عمدی بیماری کرونا در جامعه

سؤالی که در این بخش به آن پرداخته خواهد شد این است که اگر فرد یا گروهی با شیوع و پخش وسیع آلات و ادوات آلوده با هر عنوانی سعی در فلج کردن و ابتلای بسیاری از افراد به این بیماری مهلك داشته

باشند در قوانین جمهوری اسلامی ایران چه احکامی برای آنان در نظر گرفته شده است؟

به نظر می‌رسد آن‌گونه که در بخش فقهی این قضیه گذشت و فقها آن را مصداق محاربه و افساد فی‌الارض دانسته بودند، بهتر است در وهله اول تعریف و مصادیق افساد فی‌الارض و محاربه در قوانین موضوعه ایران بررسی و آنگاه نگرینسته شود که آیا این مورد از مصادیق افساد فی‌الارض و محاربه است یا خیر؟

در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲ در تعریف «افساد فی‌الارض» چنین آمده است: «هرکس به‌طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاق در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها شود، به‌گونه‌ای که موجب اخلاق شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود، مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود».

ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ «محاربه» را این‌گونه تعریف کرده است: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان‌کشی، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که روی مردم سلاح بکشد، اما در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود».

با دقت در تعاریف «افساد فی‌الارض» و «محاربه» از دیدگاه قانون مجازات اسلامی، می‌توان این را فهمید که قانون برخلاف اکثر فقها – که افساد فی‌الارض و محاربه را در واقع یک چیز می‌دانستند – این دو را یکی ندانسته، در حالی که در قرآن کریم این دو در کنار هم ذکر شده و یکی از مجازات‌های اعدام، قطع و تبعید برای آن در نظر گرفته شده بود، اما در قانون برای افساد فی‌الارض فقط حکم اعدام در نظر گرفته شده و دیگر مجازات‌های تصریح شده در آیه سی و سوم سوره مائده را قانون‌گذار در حق محارب تجویز کرده است.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت اگر شخصی یا گروهی به قصد فراگیری این ویروس در جامعه به هر نحوی و با هر ابزاری سعی در پخش وسیع آن در جامعه کنند و انگیزه آنان تضعیف حکومت اسلامی

و درگیر کردن جامعه با بحران، یا سودآوری و تجارت باشد، به نظر می‌رسد با توجه به تعریف افساد فی‌الارض در قانون مجازات اسلامی، بتوان مورد را با توجه به جمع بودن شرایط موجود در ماده از مصادیق جرم افساد فی‌الارض دانست و اشخاصی را که به چنین اعمالی در این روزها اقدام می‌کنند طبق مواد قانونی مصرح در قانون مجازات می‌توان به جرم مفسد فی‌الارض، قصاص و اعدام کرد. البته همان‌گونه که ذکر شد با توجه به تعریف قانون‌گذار از محاربه، دیگر نمی‌توان این جرم را مصداق محاربه دانست.

## 5-2- حکم انتقال بیماری کرونا به فردی خاص

سؤالی که مطرح است اینکه وقتی فردی مبتلا به ویروس واگیرداری مانند کرونا بوده و دانسته و عمداً و از روی قصد یا ندانسته به علت بی‌توجهی به توصیه‌های بهداشتی، سبب انتقال به شخص دیگر یا احیاناً فوت او شود، آیا دارای مسئولیتی از لحاظ کیفری خواهد بود یا خیر و اگر دارای مسئولیتی است چه احکامی بر آن از دیدگاه قانون مترتب است؟

از قدیمی‌ترین قوانینی که درباره بیماری‌های واگیردار در ایران وضع شده، «قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰» است که در آن از عیان شده: «در صورتی که افراد با اطلاع از بیماری واگیردار خود سبب انتقال آن به دیگر افراد شوند به حبس تأدیبی و جزای نقدی محکوم می‌شوند»، همچنین مطابق با ماده ۱۲ این قانون: «در صورتی که افراد مبتلا به بیماری واگیردار از درمان خودداری ورزند، نهادهای دولتی ایشان را به اجبار درمان می‌کنند».

همچنین ماده ۲۲ این قانون بیان کرده است: «اشخاصی که مانع اجرای مقررات بهداشتی می‌شوند، یا در اثر غفلت سبب انتشار یکی از بیماری‌های واگیر می‌شوند به حبس تأدیبی و پرداخت جزای نقدی محکوم می‌شوند».

به نظر می‌رسد از آنجایی که این قانون نه صراحتاً و نه ضمناً نسخ نشده و هیچ قانون مشابهی جایگزین آن نشده، بهتر است قانون مزبور با توجه به مقتضیات زمان، به‌روزرسانی شود.

ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی به بیان شروط عدمی بودن جنایات پرداخته و ابراز داشته است: «هرگاه

مرتکب شود، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد، اما آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود» و «هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضع دیگر، یا به علت وضع خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آنکه مرتکب به وضع نامتعارف مجنی‌علیه یا وضع خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد».

ماده 295 قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون برعهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطای محض است».

همچنین ماده 296 قانون مجازات اسلامی بیان داشته است: «اگر کسی عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت فوت شود، چنانچه جنایت واقع شده مشمول جنایت عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود و در غیر این صورت، قتل شبه‌عمدی است و مرتکب افزون بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود» و بنا بر ماده یادشده با پذیرش نظریه علت غیرمستقیم، مرتکب را مسئول قتل ناشی از سرایت دانسته است.

حال به نظر می‌رسد مطابق آنچه قوانین ابراز داشتند بتوان فردی را که عمداً موجبات انتقال و سرایت ویروس به فردی دیگر را فراهم می‌کند و در آن قصد و تعمد دارد و فرد هم به واسطه سرایت فوت کند، شامل قصاص دانست و اگر اهمالی صورت گرفته، یا ندانسته آن را انجام داده، می‌توان مطابق قوانین شامل قتل شبه‌عمد و موجب دیه دانست.

«منصور رحمدل» حقوقدان و عضو هیأت علمی دانشگاه و وکیل دادگستری در این باره می‌گوید: حالت اول اینکه شخص به قصد کشتن دیگری، ویروس کرونا را وارد بدن او کند که هم سوء نیت عام و هم سوء نیت خاص وجود دارد. تردیدی نیست که اگر عمل شخص منتهی به قتل شود، شخص قاتل عمد است. در حالت دوم این بحث می‌تواند مطرح شود که آیا قتل در حکم عمد یا انجام عمل نوعاً کشنده از طریق وارد کردن ویروس کرونا به بدن اشخاص امکان‌پذیر است یا خیر؟ دو حالت را می‌توان در نظر گرفت: بر

اساس یافته‌های علمی تاکنون این‌طور بیان کرده‌اند که این ویروس نوعاً کشنده نیست و به این معنا نیست که این ویروس وارد بدن هر شخصی شود آن فرد کشته شود و خیلی از افراد هم درمان می‌شوند. آن‌چنان‌که آمار رسمی اعلام شده از طرف مراکز علمی کشور نشان می‌دهد تعداد افراد متوفی به نسبت تعداد بهبودیافتگان بسیار پایین‌تر است، بنابراین، این ویروس نوعاً کشنده نیست. به این اعتبار اگر کسی ویروسی را به بدن شخصی عمداً وارد کند، بدون اینکه قصد کشتن چنین شخصی را داشته باشد و آن شخص بیماری زمینه‌ای هم نداشته باشد و اگر هم داشته باشد مرتکب عالم به وجود چنین بیماری زمینه‌ای در وجود شخص نبوده است، عمل قتل شبه‌عمد خواهد بود.

در دیگر حالت، اگر تعداد ویروس‌هایی که وارد بدن شخص می‌کند به نسبت زیاد باشد، در واقع با وارد شدن در بدن هر شخصی فارغ از خصوصیات جسمانی و بیماری‌های زمینه‌ای، یا نبود چنین بیماری در بدن او منتهی به قتل شود در واقع باید گفت چنین شخصی قصد کشتن داشته است، یعنی به دلالت التزامی بگوییم چنین شخصی که میزان عمده‌ای ویروس وارد بدن دیگری می‌کند، قاتل عمده شناخته می‌شود و مشمول بند «الف» ماده ۲۹۰ خواهد بود، مگر اینکه فرضی را در نظر بگیریم که شخص نه به قصد کشتن به تعبیر غلطی که قانونگذار در بند «ب» ماده ۲۹۰ آورده است، بلکه به این منظور که بدانند میزان مقاومت بدنی شخص مخاطب نسبت به ویروس واردشده به بدن او چقدر است، سبب فوت او شود، این حالت را شاید بتوان مشمول بند «ب» ماده ۲۹۰ تلقی کرد و شخص را در واقع به اعتبار انجام دادن عمل نوعاً کشنده قاتل در حکم عمده شناخت.

فرض دیگر این است که شخص می‌داند مخاطب بیماری زمینه‌ای دارد، زیرا حسب اعلام مقام‌های علمی کشور این ویروس درباره اشخاصی که بیماری زمینه‌ای دارند نوعاً کشنده است، به اعتبار وضع مخاطب می‌تواند نوعاً کشنده باشد. پس اگر شخصی با علم به وجود بیماری زمینه‌ای در بدن دیگری ویروس را وارد بدن شخص کند، می‌توان گفت مشمول بند «پ» ماده ۲۹۰ خواهد بود.

حالت چهارم در ارتباط با بند «ت» ماده ۲۹۰ است که گفته: «هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند» (رحمدل، ۱۳۹۹: صفحه حقوقی سایت تابناک: [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)).

«حسن فرزین تبار» از حقوقدانان در این باره چنین گفته است: قانون مجازات اسلامی در بخش قصاص و دیات سه نوع برخورد با افرادی که موجبات صدمه جسمی به دیگران را فراهم می‌آورند در نظر گرفته

است. برای مثال، فردی را در نظر بگیریم که به بیماری کرونا مبتلا است. حال این شخص یا از ابتلای خود به این بیماری اطلاع دارد یا بی‌اطلاع است. اگر فردی از بیماری خود بی‌اطلاع باشد و موجبات سرایت آن به دیگری را فراهم آورد، قانون برای وی چه مجازاتی در نظر گرفته است؟ شاید فکر کنید که وی مسئولیت قانونی ندارد، اما این تفکر کاملاً غلط است. اگر فردی مبتلا به بیماری واگیردار باشد و آن را به دیگری منتقل کند حتی اگر از ابتلای خود بی‌اطلاع باشد باز مسئول جبران خسارات بدنی به معنی اخص دیه است. هرچند قانون مجازات اسلامی برای فرد ناآگاه از وجود بیماری واگیرداری که عامل انتشار آن شده است فقط دیه را به‌عنوان مجازات در نظر گرفته، اما قانون پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی و واگیردار برای چنین فردی که با غفلت خود موجب انتشار بیماری شده مجازات حبس را در نظر گرفته است. پس تا اینجا به این مطلب پی می‌بریم که عامل ناآگاه انتشار و سرایت بیماری افزون بر پرداخت دیه به قربانیان خود مطابق قانون به حبس نیز محکوم خواهد شد.

حال به مطالعه مجازات افرادی می‌پردازیم که از وجود بیماری مسری خود بی‌اطلاع اند و موجبات سرایت بیماری به دیگران را فراهم می‌آورند. این فرد یا به‌صورت غیرعمد موجبات سرایت را فراهم می‌آورد مانند عدم رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی، یا هر کاری که بتوان بر آن نام تقصیر را نهاد که در این صورت، اگر عمل وی موجب ورود آسیب جسمی به دیگری شود، محکوم به پرداخت دیه خواهد بود و متناسب با آسیب وارده به حبس محکوم خواهد شد و اگر کاملاً به‌صورت اتفاقی و بدون وجود تقصیر بیماری را به دیگری منتقل کند تنها به دیه محکوم می‌شود، همچنین به جهت غفلت خود باز به حبس مندرج در قانون پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی و واگیردار محکوم می‌شود. حالت دومی که برای فرد آگاه به ابتلای خود به بیماری مسری می‌توان در نظر گرفت انتشار بیماری به‌صورت عمدی، یا در حکم عمدی به دیگران است. برای مثال، فردی که از ابتلای خود به بیماری مسری آگاه است عمداً دیگران را به بیماری خود مبتلا کند که در این صورت، اگر صدمه جسمی وارد شود، دیه و حبس برای وی حداقل مجازات قانونی است و اگر فردی را که مبتلا کرده فوت کند، قصاص در انتظار ناشر بیماری است. شاید این سؤال برایتان پیش بیاید که اگر قربانی هیچ صدمه جسمی نبیند، آیا فردی که بیماری را عمداً سرایت داده بی‌مجازات خواهد بود؟ جواب منفی است. اگر بیماری‌ای که منتقل کرده نوعاً کشنده باشد مانند ویروس کرونا، فرد به اتهام شروع به قتل قطعاً قابل تعقیب و مجازات است.

حالتی دیگر نیز برای فردی که بیماری واگیر دارد و از ابتلای خود آگاه است و موجب شیوع بیماری را فراهم می‌آورد متصور است، مانند آنکه فرد آگاه از بیماری خود بی‌آنکه قصد ابتلای دیگران به بیماری را داشته باشد کاری انجام دهد که نوعاً موجب انتشار بیماری می‌شود. برای مثال فردی که به

بیماری کرونا مبتلا است و از بیماری خود آگاهی دارد بدون ماسک و رعایت نکات بهداشتی در جامعه حاضر شود. برای چنین فردی نیز قانون مجازات اسلامی<sup>۱۳۹۲</sup>، مجازات در نظر گرفته و این فرد حداقل به اتهام شروع به قتل و حداکثر به قصاص محکوم خواهد شد (فرزین تبار<sup>۱۳۹۹</sup>، ۱۳۹۹<sup>۱۳۹۹</sup>، سایت اقتصاد برتر: [www.eghtesadbartar.com](http://www.eghtesadbartar.com)).

برخی حقوق دانان نیز چنین گفته اند: برخی معتقدند صرف گرفتن جان انسان می تواند موجبات تحقق قتل عمد را فراهم آورد و هر اقدامی که به تهدید سلامت انسان منجر شود حرام و مصداق خودکشی است و رفتار شخص ناقل ویروس را مصداق قتل عمد می دانند (اسحاقی<sup>۱۳۹۲</sup>، زینلی، حسینی<sup>۱۳۹۸</sup>، ۱۳۹۸<sup>۱۳۹۸</sup>): (14-15).

با ملاحظه صراحت مواد مذکور<sup>۱۳۹۲</sup>، اگر در اثر تقصیر شخصی<sup>۱۳۹۲</sup>، فرد یا افرادی به ویروس کرونا مبتلا شوند و به فوت یا نقص عضو یا منافع شخص یا اشخاصی منجر شود<sup>۱۳۹۲</sup>، مرتکب مقصر مسئول جبران دیه فوت یا نقص عضو یا منافع شخص یا اشخاص مبتلا به ویروس کرونا است. به نظر می رسد وفق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگر غفلت در انتشار ویروس کرونا موجب تحقق جنایت علیه نفس و نقص در اعضا و منافع شخصی شود<sup>۱۳۹۲</sup>، در این صورت قانون مجازات اسلامی ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ را نسخ ضمنی کرده و در غیر آن یعنی اگر موجب جنایت نشود، اما شخصی را مبتلا و گرفتار معالجه و درمان آن کند<sup>۱۳۹۲</sup>، مطابق قانون موصوف<sup>۱۳۹۲</sup>، قابل تعقیب کیفری و مجازات است و بابت هزینه های متعارف معالجه و درمان آن<sup>۱۳۹۲</sup>، مقصر و مسئول جبران است (همان<sup>۱۳۹۲</sup>، 15-16).

با توجه به آنچه گذشت و با توجه به مواد قانونی به خصوص ماده 296 قانون مجازات اسلامی می توان گفت اگر کسی عمداً و عدواناً و از روی قصد بیماری واگیرداری مانند کرونا را به فردی خاص انتقال دهد و آن فرد بر اثر سرایت آن بیماری بمیرد<sup>۱۳۹۲</sup>، انتقال دهنده مشمول قتل عمد می شود و باید قصاص شود و چنانچه خطا و اهمال صورت پذیرد، با توجه به نصوص قانونی می توان گفت قتل شبه عمد بوده و موجب دیه است و اگر فرد بعد از ابتلا نمیرد<sup>۱۳۹۲</sup>، شخص ضامن تمامی خسارات وارده اعم از مادی و معنوی است.

در پایان پیشنهاد می شود با توجه به گسترش بیش از پیش انواع بیماری های خطرناک و واگیردار در جامعه امروزی<sup>۱۳۹۲</sup>، قوانینی در این زمینه به صورت جدی وضع، یا قوانین قبلی اصلاح و جرائم آن به روز رسانی شود، همچنین متصدیان قانون و قانون گذاران با کمک فقها و متولیان بهداشت و درمان

می‌توانند با دسته‌بندی انواع بیماری‌ها، برای هر یک احکام کیفری جداگانه متناسب با آن بیماری و درجه خطر آن وضع کنند تا افراد جامعه و محاکم قضایی دچار سردرگمی و تشتت آرا نشوند.

نتیجه

از پژوهش حاضر نتایج زیر به دست آمده است:

1- اگر شخصی با هدف فراگیر کردن ویروسی خطرناک و واگیردار مانند کرونا در جامعه به صورت گسترده اقدام به شیوع آن از هر طریقی کند مطابق دیدگاه جمهور فقهای مذاهب اسلامی اقدام یادشده تحت عنوان «محاربه» و «افساد فی الارض» شناخته می‌شود و امام و حاکم اسلامی با توجه به صلاحدید خویش و با نظر در کم و کیف نتیجه اقدام انجام شده، مخیر است مجازات‌های وارده در آیه را - که بالاترین آن قصاص و پایین‌ترین آن تبعید و نفی بلد است یا دیگر مجازات‌های بیان شده - اجرا کند.

2- جمهور فقهای مذاهب اسلامی معتقدند اگر شخصی عمداً و عدواناً و از روی قصد، ویروس واگیرداری مانند کرونا را به فردی مشخص و معین انتقال دهد و آن شخص به این ویروس مبتلا شود و بر اثر آن به قتل برسد و این موضوع به اثبات برسد، شخص قصاص می‌شود و اگر اثبات شود فرد به آن ویروس مبتلا شده، اما دچار مرگ نشده در این صورت فرد ضامن هزینه‌های درمان فرد بیمار، یا ضامن آسیب‌های وارده به اعضای بدن فرد بیمار است و شخص انتقال‌دهنده ویروس نیز تعزیر خواهد شد.

3- فقها معتقدند اگر در حالت انتقال عمدی، منقول‌الیه بر اثر بیماری فوت نکرد، شخصی که عمداً به وی ویروس را انتقال داده، افزون بر اینکه ضامن همه خسارت‌های وارده به بیمار - اعم از جسمی، روانی و هزینه‌های درمان ناشی از آن ویروس - است، تعزیر نیز می‌شود.

4- اکثر فقهای مذاهب اسلامی برآن‌اند که اگر شخصی به دلیل خطا، فراموشی و جهل بیماری کشنده و واگیرداری مانند کرونا را به دیگری انتقال داد و آن شخص بر اثر آن کشته شد، قتل خطایی بوده و دیه و کفاره لازم می‌شود.

5- فقها معتقدند اگر فرد از روی خطا و فراموشی بیماری را به فردی انتقال دهد و منقول‌الیه بر اثر

بیماری فوت نکنند، شخص ناقص، فقط ضامن همه خسارت‌های وارده اعم از جسمی و روانی و هزینه‌های درمان است و از آنجا که عمداً این کار را نکرده، تعزیر نمی‌شود.

6- با توجه به تعریف افساد فی‌الارض در قانون مجازات اسلامی، اگر شخصی یا گروهی به قصد فراگیری این ویروس در جامعه به هر نحوی و با هر ابزاری سعی در پخش وسیع آن در جامعه کنند و انگیزه آنان تضعیف حکومت اسلامی و درگیر کردن جامعه با بحران یا سودآوری و تجارت باشد، این مورد از مصادیق جرم افساد فی‌الارض است.

7- با توجه به مواد قانونی به‌خصوص ماده 296 قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت اگر کسی عمداً و عدواناً و از روی قصد بیماری واگیرداری مانند کرونا را به فردی خاص انتقال دهد و آن فرد بر اثر سرایت آن بیماری بمیرد، انتقال‌دهنده مشمول قتل عمد می‌شود و باید قصاص شود و چنانچه خطا و اهمال صورت پذیرد با توجه به نصوص قانونی می‌توان گفت قتل شبه‌عمد بوده و موجب دیه است و اگر فرد بعد از ابتلا بمیرد، شخص ضامن همه خسارت‌های وارده اعم از مادی و معنوی است.

## مراجع

قرآن كريم.

ابن انس<sup>١</sup> مالك (1415) ، المدونة<sup>٢</sup> ، بيروت: دارالكتب العلمية<sup>٣</sup> ، چاپ اول<sup>٤</sup>.

ابن جزى<sup>٥</sup> ، محمد بن احمد<sup>٦</sup> (بى<sup>٧</sup> تا) ، القوانين الفقهية<sup>٨</sup> ، بيروت: دارالقلم<sup>٩</sup> ، .

ابن جر هيثمى<sup>١٠</sup> ، احمد بن محمد (1357ق) ، تحفة المحتاج فى شرح المنهاج<sup>١١</sup> ، مصر: المكتبة التجارية الكبرى<sup>١٢</sup> .

ابن حزم طاهرى<sup>١٣</sup> ، على بن احمد (بى<sup>١٤</sup> تا) ، مراتب الإجماع<sup>١٥</sup> ، بيروت: دارالكتب العلمية<sup>١٦</sup> .

كتامى<sup>١٧</sup> ، على بن محمد<sup>١٨</sup> (1424) ، الإقناع فى مسائل الإجماع<sup>١٩</sup> ، بى<sup>٢٠</sup> جا: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر<sup>٢١</sup> ، چاپ اول<sup>٢٢</sup> .

ابن عابدين<sup>٢٣</sup> ، محمد امين<sup>٢٤</sup> (1412) ، رد المحتار على الدر المختار<sup>٢٥</sup> ، بيروت: دارالفكر<sup>٢٦</sup> ، چاپ دوم<sup>٢٧</sup> .

ابن عابدين<sup>٢٨</sup> ، محمد امين<sup>٢٩</sup> (بى<sup>٣٠</sup> تا) ، قره عين الأختيار لتكملة رد المحتار على الدر المختار<sup>٣١</sup> ، بيروت: دارالفكر<sup>٣٢</sup> .

ابن قاضى شهبه<sup>٣٣</sup> ، ابوبكر بن احمد (1432) ، بداية المحتاج فى شرح المنهاج<sup>٣٤</sup> ، جده: دارالمنهاج<sup>٣٥</sup> ، چاپ اول<sup>٣٦</sup> .

ابن قدامه، عدا، بن احمد (1414)، الكافي في فقه الإمام أحمد، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول.

ابن قدامه، عدا، بن احمد (1388)، المغني، قاهره: مكتبة القاهره.

ابن قيم جوزي، محمد بن ابى بكر (1411)، إلام الموقعين عن رب العالمين، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول.

ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمر (1419)، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول.

ابن ماجه قزوينى، محمد بن يزيد (بى تا)، سنن ابن ماجه، بى جا: دار إحياء الكتب العربية.

ابن نعمان عكبرى (شيخ مفيد)، محمد (1413)، المقنعة، قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، چاپ اول.

ابى داود، سليمان بن اشعث (بى تا)، سنن أبى داود، بيروت: المكتبة العصرية.

اسحاقى، الهام، زينلى، حامد و حسينى، سيد محمد (1398)، «مسئوليت كيفرى و مدنى نا فلان و فيروس كورونا»، ماهنامه دادرسى، شماره 138، 10-17.

اشقر، عمر سليمان (1421)، دراسات فقهية فى قضايا طبية معاصرة، اردن: دارالنفائس، چاپ اول.

انصارى، زكريا بن محمد (بى تا)، أسنى المطالب فى شرح روض الطالب، بى جا: دار الكتاب الإسلامى.

با برتمى، محمد بن محمد (بىتا)، العناية شرح الهداية، بيروت: دارالفكر، 1369.

بجيرمى، سليمان بن محمد (1369)، التجريد لنفع العبيد، بىجا: مطبعة الحلبي، 1369.

بخارى، محمد بن اسماعيل (1422)، صحيح بخارى، بىجا: دار طوق النجاة، چاپ اول، 1422.

بهوتى، منصور بن يونس (1414)، شرح منتهى الإرادات، بيروت: عالم الكتب، چاپ اول، 1414.

بهوتى، منصور بن يونس (بىتا)، كشاف القناع عن متن الإقناع، بيروت: دار الكتب العلمية، 1414.

ثقفى، احمد بن محمد (1393)، لسان الحكام فى معرفة الأحكام، فاهره: البابى الحلبي، چاپ دوم، 1393.

جندى، احمد (بىتا)، ملخص أعمال ندوة رؤية إسلامية لمشكلات الأيدز، جده: مجمع الفقه الإسلامى، 1422.

جوينى، عبدالملك بن عبدالمطلب (1428)، نهاية المطلب فى دراية المذهب، جده: دار المنهاج، چاپ اول، 1428.

حلى (محقق)، جعفر بن حسن (1408)، شرائع الإسلام، قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم، 1408.

خلوتى، عبدالرحمن بن عبدالمخدرات (423)، كشف المخدرات، بيروت: دار البشائر الإسلامية، چاپ اول، 1423.

دسوقى، محمد ابن احمد (بى تا)، حاشية الدسوقى على الشرح الكبير، بيروت: دار الفكر، 1416.

صاوى، احمد بن محمد (بى تا)، بلغة السالك لأقرب المسالك، بى جا، بيروت: دار المعارف، 1416.

عبدى الغرناطى، محمد بن يوسف (1416) التاج والإكليل لمختصر خليل، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، 1416.

دسوقى، محمد بن احمد (بى تا)، حاشية الدسوقى على الشرح الكبير، بيروت: دار الفكر، 1416.

دمياطى، ابوبكر (1418)، إغاثة الطالبين على حل ألفاظ فتح المعين، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، 1418.

رافعى، عبدالكريم بن محمد (1417)، العزيز شرح الوجيز، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، 1417.

رحيبانى، مصطفى بن سعد (1415)، مطالب أولى النهى فى شرح غاية المنتهى، بيروت: المكتب الإسلامى، چاپ دوم، 1415.

رملى، شهاب الدين (1404)، نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، بيروت: دار الفكر، 1404.

روشن، محمد و صادق، محمد (1390)، «ضمان ناشى از انتقال بيمارى جنسى»، فصلنامه فقه يزشى، شماره 7 و 8، 101-131.

زيلعى، فخر الدين (1413)، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق، قاهره: المطبعة الكبرى الأميرية، چاپ اول، 1413.

ژونگ دونگ، وانگ و هانگ، دستور العمل محافظت در برابر بیماری کرونا (COVID-19) بر اساس تجربه کشور چین، ترجمه عباس نیکروش، ناھید رخش، مهشید نیکروش و ابراهیم عامل محرابی، تهران: دانش نگار، چاپ اول.

سرخسی، محمد بن احمد (1414)، المبسوط، بیروت: دار المعرفة،

شافعی، محمد بن ادريس (1410)، الأم، بیروت: دار المعرفة،

شربینی، محمد بن احمد (بی تا)، الإقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع، بیروت: دار الفکر،

شربینی، محمد بن احمد (1415)، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول،

شیرازی، ابراهیم بن علی (بی تا)، المهدب فی فقه الإمام الشافعی، بیروت: دارالکتب العلمیة،

شیبانی، محمد بن حسن (1403)، الحجة على أهل المدينة، بیروت: عالم الکتب، چاپ سوم،

طباطبايي، محمد حسين (1374)، تفسير الميزان، ترجمه: محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم،

طبرانی، سليمان بن احمد (بی تا)، المعجم الأوسط، قاهره: دار الحرمین،

طوسی، محمد بن حسن (1387)، المبسوط، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجغرافية، چاپ سوم،

عبادى، ابوبكر بن على (1322)، الجوهرة النيرة، بيـجا: المطبعة  
الخيرية، چاپ اول.

عمرانى، يحيى بن ابى الخير (1421)، البيان فى مذهب الإمام الشافعى،  
جده: دار المنهاج، چاپ اول.

عوده، عبدالقادر (1394)، التشريع الجنائى الإسلامى، ترجمه: حسن  
فهودى نيا، تهران: نشر احسان، چاپ اول.

غزالى، محمد بن محمد (1417)، الوسيط فى المذهب، فاهره:  
دار السلام، چاپ اول.

قدورى، احمد بن محمد (1418)، مختصر القدورى فى الفقه الحنفى، بيروت:  
دار الكتب العلمية، چاپ اول.

قراقى، شهاب الدين (1994)، الذخيرة، بيروت: دار الغرب الإسلامى،  
چاپ اول.

قرطبى، محمد بن احمد (1384)، الجامع لأحكام القرآن، قاهره:  
دار الكتب المصرية، چاپ دوم.

قرطبى، محمد بن احمد (1408)، المقدمات الممهدهات، بيروت:  
دار الغرب الإسلامى، چاپ اول.

كاسانى، ابوبكر بن مسعود (1406)، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع،  
بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ دوم.

ماوردى، على بن محمد (1419)، الحاوى الكبير، بيروت: دار الكتب  
العلمية، چاپ اول.

مرداوی، علی بن سلیمان (بی‌تا)، الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مرغینا، علی بن ابی بکر (بی‌تا)، بداية المبتدی، فاهره: مكتبة و مطبعة محمد علی صبح.

منتظری، حسینعلی (تا)، رساله استفتائات، قم: بی‌نا، چاپ اول.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول.

نجفی، محمدحسن (1404)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.

نوی، یحیی بن شرف (بی‌تا)، المجموع، بیروت: دارالفکر.

نوی، یحیی بن شرف (1412)، روضة الطالبین وعمدة المفتین، بیروت: المكتبة الإسلامی، چاپ سوم.

ون هونگ، جانگ (1398)، دستور العمل عمومی پیشگیری از ابتلا به ویروس کووید 19 (ویروس کرونا جدید)، ترجمه: گروه مترجمان، گروه چینی دانشگاه تهران، تهران: بی‌نا، چاپ اول.

رحمدل، منصور، سایت تابناک (1399)، آیا امکان ارتکاب جرم علیه تمامیت جسمانی از طریق انتقال ویروس کرونا وجود دارد؟ قابل دسترسی در آدرس: <https://www.tabnak.ir/fa/news/>

فرزین، تبار، حسن، سایت اقتصاد برتر (1399)، انتشار کرونا جرم است، قابل دسترسی در آدرس: <https://www.eghtesadbartar.com>

[1]. کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران، نویسنده و

پژوهشگر دینی و مدرس دانشگاه [Ayoubshafei@yahoo.com](mailto:Ayoubshafei@yahoo.com)